

بررسی چند ترجمه سوره ناس به زبان آلمانی بر اساس نظریه یوجین نایدا

سیدسعید فیروزآبادی*

تاریخ دریافت: ۹۴/۶/۲۵

زهرا ابراهیمی**

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۰/۱۳

چکیده

در طول تاریخ کتب وحی توسط اشخاص مختلف با انگیزه‌های متفاوت ترجمه شده است. قرآن مهم‌ترین منبع کتبی برای شناخت دین اسلام است که از طرف خدا به حضرت محمد(ص) وحی شده است. به دلیل گسترش دین اسلام و وجود بیش از چهار میلیون مسلمان آلمانی زبان، نیاز به ترجمه قرآن در تمام زمان‌ها احساس می‌شود. از این رو مقاله پیش رو به نقد و بررسی سه ترجمه برجسته قرآن به زبان آلمانی توسط فریدریش روکرت، عادل تئودور خوری و رودی پارت بر اساس تئوری یوجین نایدا و با تمرکز بر سوره ناس پرداخته است. در ضمن این مقاله به انگیزه این مترجمان و سبک و شیوه ترجمه آن‌ها، امانت‌داری در ساختار لغوی و نحوی زبان عربی و زیبایی کلام در برگردان این کتاب آسمانی می‌پردازد. هم‌چنین می‌توان با مشخص کردن نقاط قوت و ضعف این ترجمه‌ها از اشتباهات آتی در ترجمه قرآن اجتناب کرد.

کلیدواژگان: قرآن، مترجم، ترجمه، زبان آلمانی، نقد، نظریه یوجین نایدا.

* استادیار دانشکده زبان‌های خارجی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، ایران.

** کارشناس ارشد آموزش زبان آلمانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، ایران.

مقدمه

اولین ترجمه قرآن به صدر اسلام و زمانی برمی‌گردد که حضرت محمد(ص) به سلمان فارسی اجازه داد تا سوره حمد را به فارسی ترجمه کند، تا فارسی زبانان بتوانند آن را بخوانند(معرفت، ۱۳۸۳: ۱۹۶). ترجمه قرآن به زبان‌های اروپایی از سده یازده میلادی آغاز و در سده هجده میلادی مراحل پیشرفت خود را طی کرد. در میان اروپائیان، آلمانی‌زبانان سهم بسزایی دارند و بیش از ۳۰ مترجم با مذهب، ملیت و انگیزه‌های متفاوت به ترجمه این کتاب آسمانی اقدام کرده‌اند. بدون شک این ترجمه‌ها خالی از اشکال نیست. برخی از این اشکالات به عمد و با اهداف مخالفت با اسلام و برخی دیگر غیرعمدی و بنا بر نگرش‌های عصر خود صورت گرفته است. در بین اهداف مختلف ترجمه قرآن برخی بازتاب اندیشه‌های دگماتیک و تعصبات مذهبی مترجم می‌باشد. قطعاً پیامد این ایرادها در ترجمه ارائه تصویری نادرست از دین اسلام می‌باشد. لذا بر آن‌ایم با بررسی تئوری یوجین ناید/ راه‌هایی برای ترجمه‌ای به دور از ایراد ارائه دهیم. مقاله پیش رو به بررسی سه ترجمه شاخص قرآن به زبان آلمانی توسط فریدریش روکرت، که از شیوه بلاغت قرآن تقلید کرده، رودی پارت و عادل تئودور خوری، که هر یک چند دهه از عمر خویش را صرف ترجمه‌های نسبتاً علمی و به دور از تعصبات مذهبی از قرآن کرده‌اند پرداخته است. ابتدا نگاهی به تاریخچه ترجمه قرآن به زبان آلمانی از آغاز تا کنون می‌اندازیم تا با توجه به اوضاع و شرایط سیاسی و اجتماعی در هر دوره، علل و انگیزه‌های ترجمه قرآن آشکار شود.

تاریخچه ترجمه قرآن به زبان‌های اروپایی و زبان آلمانی

اولین بار پتروس ونرابلیس (*Petrus Venerabilis*)، اسقف کلونی (*Abt von Cluny*)، در سفر خود به اسپانیا در سال ۱۱۴۱ که به منظور بازدید از صومعه‌های کلونی صورت گرفت، دستور داد قرآن به زبان لاتین ترجمه شود. وی هدف خود را از ترجمه قرآن چنین بیان کرد: «نباید با فرقه ارتدادی محمدیان تنها با زور بی‌منطق سلاح به مقابله پرداخت، بلکه مبارزه باید از طریق قدرت کلام انجام شود» (فوک، ۱۹۵۵: ۵). این ترجمه زیر نظر روبرتوس کتننسیس (*Robertus Ktenensis*) و هرمانوس دالماتا (*Hermanus*)

Dalmata انگلیسی که هر دو تا حدودی زبان عربی را بلد بودند انجام گرفت. ترجمه آن‌ها که دارای اشتباهات فراوانی بود، به همراه چند رساله کوتاه درباره زندگی پیامبر(ص) و ردیه‌هایی بر اسلام به قلم پتروس در مجموعه‌ای به نام «*طَلِيْطَلَه*» (*Corpus Toletanum*) بیش از ۵۰۰ سال تصویر مخدوش از اسلام برای مردم مغرب زمین به نمایش گذاشت و تا قرن ۱۶م مهم‌ترین و در عین حال پراشتباه‌ترین منبع شناخت اسلام در میان اروپاییان بود. چهارصد سال بعد عالم مسیحی *تئودور بیبلیاندر* (*Theodor Bibliander*) در بازل این ترجمه را تصحیح کرد و به چاپ رساند، اما متأسفانه خطاهای فراوانی که به این ترجمه راه یافته بود، بعدها اساس ترجمه‌های بعدی قرآن مجید به زبان‌های دیگر اروپایی شد. *مارتین لوتر* (*Martin Luther*)، مصلح دینی و مترجم انجیل به زبان آلمانی، در سال ۱۵۴۳ مقدمه‌ای بر تصحیح و چاپ بیبلیاندر نگاشته است (همان: ۳، ۷).

نخستین مترجم قرآن به زبان آلمانی *یوهان آلبرشت ویدمانشتتر* (*Johann Albrecht Widmannstetter*) است. وی در حدود سال ۱۵۴۳ دو ترجمه لاتین و آلمانی از قرآن ارائه داد، ولی هیچ یک از این دو ترجمه تا کنون به چاپ نرسیده و نسخه‌ای از آن‌ها در موزه دولتی بایرن در آلمان موجود است.

دومین مترجم قرآن به زبان آلمانی *سالمون شوایگر* (*Schweigger Salomon*)، واعظ مسیحی، است. وی قرآن را در سال ۱۵۴۷ کاملاً بر اساس ترجمه ایتالیایی *آندره آریوابنه* (*Andre Arrivabene*) انجام داد و در نتیجه خطاهای ترجمه نخستین به این ترجمه نیز راه یافت. ترجمه *آریوابنه* بر اساس ترجمه منسوب به *ونرابلیس* است. *شوایگر* نام این ترجمه را، که در سال ۱۶۱۶ به چاپ رسید، «قرآن ترک‌ها» (*Der Türcken Alcoran*) گذاشت که نشان‌دهنده عدم آگاهی وی از دین اسلام و بازتاب تهدید ترکان عثمانی برای اروپا در آن دوره است (همان: ۹).

پاپ الکساندر هفتم سال‌های متمادی چاپ و تکثیر قرآن مجید را در اروپا ممنوع کرده بود. اما در سال ۱۶۹۴ *آبراهام هینکلمان* (*Abraham Hinckelmann*)، کشیش پروتستان و شرق‌شناس آلمانی، نسخه‌ای از قرآن مجید را به چاپ رساند و با این کار زمینه را برای ترجمه‌های بعدی قرآن فراهم کرد (دایرةالمعارف اسلام، ۱۹۲۷: ۳۳۰).

پس از آن یوهان لانگه (Johan Lange) قرآن را به زبان آلمانی ترجمه کرد. لانگه این ترجمه را در سال ۱۶۸۸ تحت عنوان «قوانین ترکی یا قرآن محمد (ص)» (Die türkischen Gesetze oder Mohamets Koran) به چاپ رساند. او در ابتدای کتاب ادعا کرده است که برای اولین بار و کامل‌ترین ترجمه قرآن مجید را به زبان آلمانی انجام داده است. اما نکته جالب اینجاست که وی ترجمه خود را مستقیماً از زبان عربی انجام نداده، بلکه متن اصلی ابتدا به زبان‌های فرانسوی سپس هلندی و آن‌گاه به آلمانی ترجمه شده است (همان: ۱۶).

چهارمین مترجم قرآن به زبان آلمانی داوید نرتتر (David Nerreter)، کشیش پروتستان، است. او قرآن مجید را از روی نسخه ایتالیایی لودویکو ماراچی (Ludovico Marracci) بازگرداند و در سال ۱۷۰۳ در هامبورگ منتشر شد. متن این ترجمه اشکالات فراوانی در حروفچینی دارد.

در سال ۱۷۴۶ تئودور آرنولد (Theodor Arnold) ترجمه‌ای از قرآن را بر اساس ترجمه انگلیسی جورج سیل (George Sale) به پایان رساند. ترجمه او با توضیحاتی همراه است. وی هم‌چنین نام سوره‌ها را ترجمه و مکان نزول هر سوره را در کنار آن ذکر کرده است. به نظر می‌رسد آرنولد نخستین ترجمه بی‌طرفانه از این کتاب آسمانی را ارائه داد، چراکه بر خلاف ترجمه‌های پیشین با اجتناب از توضیحات اضافه، از سوء تفاهم در فهم قرآن جلوگیری می‌کند.

نخستین کسی که قرآن را از اصل عربی آن به زبان آلمانی بازگرداند، کشیش پروتستان داوید فریدریش مگرلین (David Friedrich Megerlin) بود. او در سال ۱۷۷۲ ترجمه خود را تحت عنوان «انجیل ترکی یا قرآن» (türkische Bibel, oder der Die Koran) منتشر کرد. مگرلین در ابتدای کتاب اهانت‌های فراوانی به حضرت محمد (ص) می‌کند. همان‌طور که از اسم این ترجمه پیداست انگیزه این ترجمه عناد و دشمنی نسبت به دین اسلام بوده است. یوهان ولفگانگ فون گوته (Johann Wolfgang von Goethe) ترجمه مگرلین را «دستاوردی فلاکت‌بار» نامیده است (ویته، ۱۹۹۶: ۱۰۰).

در ۱۷۷۳ فریدریش ابرهارت بویزن (Friedrich Eberhard Boysen)، کشیش دربار کوندلینبورگ (Quedlinburg)، ترجمه‌ای دیگر از اصل عربی قرآن ارائه داد. در ضمیمه

این ترجمه ادعیه اهل بیت نیز موجود است. این ترجمه را که برای اولین بار زیبایی کلام و آهنگ قرآن را مورد توجه قرار داد، بسیاری از دانشمندان زمانش تحسین کرده‌اند. کمی بعد در سال ۱۸۲۸ ساموئل فریدریش گونتروال (*Samuel Friedrich Günther*) ترجمه وی را تصحیح و دوباره منتشر کرد.

یوهان ویلهلم کریستیان آگوستی (*Johann Wilhelm Christian Augusti*)، استاد الهیات ینا و خاورشناس تلاش کرد با حفظ آهنگ، وزن و آوای قرآن در سال ۱۷۹۸ ترجمه‌ای از چند سوره آن را ارائه دهد، که از آن استقبال فراوانی در آلمان شد. پس از او یوزف فون هامر-پورگشتال (*Joseph von Hammer-Purshall*)، بنیانگذار آکادمی علوم اتریش در وین و شرق‌شناس بزرگ، در سال ۱۸۰۴ گزیده‌ای از قرآن را ترجمه کرد. این ترجمه بهترین ترجمه‌ای بود که تا آن زمان به جنبه زیبایی قرآن پرداخت.

از دیگر ترجمه‌های موجود در قرن ۱۹، ترجمه لودویگ اولمان (*Ludwig Ullmann*) دانشمند یهودی است. او در سال ۱۹۴۰ قرآن را به زبان آلمانی ترجمه کرد و در ۱۹۵۰ لئو وینتر (*Leo Winter*) این ترجمه را تصحیح و دوباره به چاپ رساند.

در سال ۱۸۱۸ جوانی به نام فریدریش روکرت (*Friedrich Rückert*)، شاعر آلمانی، در وین به دیدار هامر رفت و نزد وی زبان‌های فارسی، ترکی و عربی را آموخت. اگرچه ترجمه روکرت کامل نبود اما تا به امروز از حیث زیباشناسی در میان ترجمه‌های پیشین، شاهکاری در زبان آلمانی به شمار می‌رود. وی کوشید زیبایی کلام الهی را حفظ کند و برای نخستین بار زیبایی کلام قرآن را به خوانندگان آلمانی‌زبان معرفی کند. این ترجمه را آگوست مولر (*Müller August*) در سال ۱۸۸۸ به مناسبت صدمین سالگرد تولد او تصحیح و چاپ کرد.

در سال ۱۸۴۲ خاورشناس آلمانی، گوستاو فلوگل (*Gustav Flügel*) ترجمه‌ای از قرآن منتشر کرد. وی در این ترجمه فهرستی از واژه‌های قرآن برابر حروف ابجد تهیه کرد و جلوی هر یک شماره سوره و هر آیه را اشاره کرد. نسخه وی از قرآن مجید منبعی بسیار ارزشمند برای پژوهشگران بعدی بود (حمیدالله، ۱۳۵۳: ۶۵۳). هم‌چنین دکتر مارتین کلامروت (*Martin Klamroth*) در سال ۱۸۹۰، ترجمه پنجاه سوره از قرآن مجید

را در هامبورگ منتشر کرد. با آغاز قرن بیستم و تأسیس رشته اسلام‌شناسی در آلمان، دین اسلام مورد توجه فزاینده‌ای قرار گرفت. از بنیانگذاران این رشته می‌توان به ایگناتس گلدتسیهر (*dgnaz Goldziher*)، تئودور نولدکه (*Theodor Nöldeke*) و کریستیان اسنوک هورگرونیه (*Christiaan Snouck Hurgronje*) اشاره کرد. بدیهی است که از این زمان به بعد با دو گروه ترجمه علمی و ترجمه‌های مسلمانان مواجه خواهیم شد.

در بین ترجمه‌های علمی قرآن می‌توان به ترجمه برنهارت اشپیتس (*Bernhard Spieß*) در سال ۱۸۹۴، هوبرت گریمه (*Hubert Grimme*) در سال ۱۸۹۵ و از همه مهم‌تر ماکس هنینگ (*Max Henning*) در سال ۱۹۰۱ اشاره کرد. یکی از مهم‌ترین ترجمه‌های قرن بیستم، ترجمه ماکس هنینگ است. مخاطبان ترجمه وی همان‌طور که خود در مقدمه این کتاب می‌گوید: «عوام و دانشجویان مبتدی هستند که می‌خواهند گامی در شناخت مشرق‌زمین بردارند» (رادشایت، ۱۳۸۶: ۸۶). این ترجمه تا کنون بارها در آلمان تجدید چاپ شده است.

در سال ۱۹۱۶ لازاروس گلدشمیت (*Lazarus Goldschmidt*) سامی‌شناس ترجمه‌ای از قرآن را در برلین منتشر کرد، که بسیار غیرقابل اعتماد است و با ترجمه هنینگ قابل مقایسه نیست.

نخستین ترجمه آلمانی قرآن که توسط مسلمانان و برای مسلمانان انجام گرفت، ترجمه مولانا صدرالدین (*Sadr ud-Din Maulana*) است که در سال ۱۹۳۸ به چاپ رسید. وی امام جماعت مسجد برلین و نماینده احمدیه بود. جنبش احمدیه با اهداف تبلیغی بارها قرآن را به زبان‌های مختلف ترجمه و منتشر کرد.

یکی از برجسته‌ترین ترجمه‌های آلمانی قرآن، ترجمه رودی پارت (*Rudi Paret*)، اسلام‌شناس است. ترجمه وی در سال ۱۹۶۶ منتشر شد. پارت حدود ۳۳ سال از عمر خویش را صرف ترجمه قرآن کرد و تلاش کرد متنی به دور از پیش‌داوری‌های معمول از قرآن و دین اسلام ارائه دهد.

در سال ۱۹۸۳ ترجمه‌ای پنج جلدی توسط گروه مسلمانان آلمانی‌زبان به سرپرستی فاطمه گریم (*Fatima Grimm*) به عهده داشت. این ترجمه نخستین ترجمه گروهی

مسلمانان از قرآن مجید به زبان آلمانی است و از این دیدگاه اهمیت فراوانی دارد. هدف از این ترجمه تبلیغ دین اسلام می‌باشد.

ترجمه محمد احمد رسول (*Muhammad Ahmad Rassoul*) که برای اولین بار در سال ۱۹۸۶ در کلن با اهداف تبلیغی منتشر شد، بین مسلمانان آلمانی زبان جایگاه بسیار گسترده‌ای یافت. این ترجمه تا حدودی واژه به واژه است و معنی تقریبی را در اختیار خوانندگان قرار می‌دهد.

بی‌شک یکی از برترین ترجمه‌های آلمانی قرآن ترجمه عادل تئودور خوری (*Adel Theodor Khoury*)، استاد الهیات دانشگاه مونتسر است که در سال ۱۹۸۷ منتشر شد. ترجمه خوری بیش از همه به ترجمه پارت از قرآن مجید شباهت دارد. وی طی سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۱ ترجمه و تفسیر قرآن را در دوازده جلد منتشر کرد.

نخستین مسلمانی که آلمانی زبان مادری او است، احمد فون دنفر (*Ahmad von Denffer*)، معاون ریاست مرکز اسلامی مونیخ و سردبیر مجله «الاسلام»، در سال ۱۹۹۶ ترجمه‌ای از قرآن را منتشر کرد. نگاه خاص وی به ترجمه کلام وحی هم‌چنین برگردان واژه به واژه متن اصلی و ساخت واژگان غیرمعمول منجر به ایجاد ترجمه‌ای غیرموثق با اشکالات بسیار شده است.

در سال ۱۹۹۹ مراد ویلفرید هوفمان (*Murad Wilfried Hofmann*) مقدمه‌ای جدید به ترجمه قرآن هنینگ افزود و آن را بازنگری کرد. اگرچه این ترجمه واژه به واژه نیست ولی متن آن به دلیل نزدیکی بیش از حد به متن قرآن منسجم نیست. دانشگاه الأزهر مصر به استاد زبان و ادبیات آلمانی این دانشگاه، مصطفی ماهر (*Moustafa Maher*)، سفارش ترجمه جدیدی از قرآن به زبان آلمانی را داد. ماهر نیز ترجمه‌ای روان و مطابق با درک مسلمانان معاصر از قرآن مجید ارائه کرد. این ترجمه در سال ۱۹۹۹ در قاهره به چاپ رسید.

امیر محمد ادیب زیدان (*Amir Muhammad Adib Zaidan*) در سال ۲۰۰۰ ترجمه‌ای جدید از قرآن را ارائه داد. درک ترجمه زیدان به دلیل وجود واژگانی چون «جهاد»، «ایمان»، «نفاق» و... که وی آن‌ها را به همین صورت آورده است، برای آلمانی‌زبانان بسیار دشوار و غیر قابل فهم است.

در سال ۲۰۰۱ ترجمه‌ای از قرآن در تهران و انتشارات جاجرمی به چاپ رسید. مترجم این قرآن خانم زیگریت یمینی (Siegrid Yamini) است. وی در اصل ترجمه قرآن اولمان را بازنویسی کرده است.

در وزارت معارف عربستان سعودی در سال ۲۰۰۲ نسخه‌ای از قرآن به چاپ رسید که مترجمان آن شیخ عبدالله الصامت یا همان فرانک بوبنهایم (Frank Bubenheim) و نادم الیاس (Nadeem Elyas) بودند. این ترجمه به متن اصلی قرآن بسیار نزدیک است. مترجمان سعی کرده‌اند تا متنی ساده، قابل خواندن و به‌دور از اشکال در دسترس خوانندگان قرار دهد.

پروفسور هانس تسیرکر (Hans Zirker)، استاد الهیات مسیحی دانشگاه دوئیزبورگ اسن در سال ۲۰۰۳ ترجمه‌ای از قرآن با رویکرد فیلولوژیکی ارائه کرد. این ترجمه به ساختار لغوی و صرف و نحو زبان عربی توجه ویژه‌ای داشت. درک این ترجمه برای خوانندگان امروزی راحت می‌باشد.

در سال ۲۰۰۸ برای اولین بار گزیده‌ای از ترجمه قرآن توسط لمیه کادر (Lamya Kaddor) با همکاری ربیعه مولر-هاک (Rabeya Müller-Haque) برای کودکان منتشر شد. از این ترجمه به دلایل مختلف از جمله استفاده از تصویر در کنار آیات قرآن انتقادهای فراوانی شد.

۲۰۰۹/حمدفون دنفر، که پیش‌تر از او یاد کردیم، با همکاری یوسف کوهان (Yusuf Kuhan)، ترجمه انگلیسی قرآن محمد/اسد اتریشی را، که نام اصلی وی لئوپلد وایس (Leopold Weiss) است، به آلمانی بازگرداندند.

احمد میلاد کریمی (Ahmad Milad Karimi) مهاجر افغان که در آلمان اسلام‌شناسی و فلسفه تحصیل کرده است، ترجمه‌ای کاملاً جدید از قرآن را در ۲۰۰۹ منتشر کرد. کریمی تلاش کرد تا حد امکان به متن اصلی نزدیک باشد و به جنبه‌های زیباشناختی قرآن تأکید می‌کند.

هارتموت بوبتسین (Hartmut Bobzin)، استاد زبان‌شناسی سامی و اسلام‌شناسی در دانشگاه ارلانگن، در سال ۲۰۱۱ ترجمه‌ای از قرآن ارائه داد. وی سالیان متمادی بر روی تحقیقات قرآنی و تاریخ پذیرش اسلام در اروپا تحقیق کرده است.

بوتسین در سال ۱۹۹۵ ترجمه قرآن روکرت را تصحیح و دوباره منتشر کرد. وی بر این عقیده است که مترجمان قرآن می‌توانند غیرمسلمان باشند.

پیشینه تحقیق

در بررسی ترجمه‌های قرآنی نقاط قوت و ضعف آن‌ها آشکار می‌شود و مترجم قرآن می‌تواند با بهره‌گیری از نقاط قوت و نیز اجتناب از اشتباه‌های مترجم‌های دیگر، ترجمه‌ای بهتر و کامل‌تر از ترجمه‌های پیشین ارائه نماید. پس نتایج این بررسی می‌تواند گامی در جهت ارائه ترجمه‌های بهتر قرآن باشد.

طرح این پژوهش شامل نگرشی بر سیر ترجمه‌های قرآن به زبان آلمانی، نظریه ناید، درآمدی بر سوره مبارکه ناس، مبحثی در خصوص ترجمه قرآن، نقد و بررسی پنج ترجمه قرآنی (روکرت، پارت، خوری)، نتیجه‌گیری می‌باشد.

اهدافی که پژوهشگر در این بررسی دنبال می‌کند عبارت است از:

آشنایی علاقمندان و دانشجویان زبان آلمانی با مترجم‌های قرآنی آلمانی‌زبان و نیز آشنایی آن‌ها با نظریه ناید/ در سبک ترجمه، هم‌چنین بررسی نقاط قوت و ضعف این ترجمه‌ها که راهکاری در جهت ارائه بهتر ترجمه قرآن است.

فرضیه: چقدر به نظریه یوجین ناید/ در این ترجمه‌ها توجه شده است؟ و توجه به این نظریه چه اندازه در کیفیت این ترجمه‌ها مؤثر خواهد بود.

تئوری یوجین ناید

یوجین آلبرت ناید/ (۱۹۱۴-۲۰۱۱) زبان‌شناس و مترجم و سرپرست ترجمه انجیل در آمریکا مفاهیم جدید در چهارچوب ترجمه متون وحی به کار برده است. او اولین کسی بود که به ترجمه به عنوان علم نگاه کرد.

آنچه که اساس ترجمه را تشکیل می‌دهد، استنباط مقصود از بطن ساختارهای زبانی متن مبدأ و بیان آن به زبان مقصد است به نحوی که تأثیر متن ترجمه شده بر مخاطب همانند تأثیر متن اصلی بر خواننده مبدأ باشد. در نظریه‌های ترجمه دو واژه یکسان بودن (similarity) و هم‌ارز بودن (equality) مطرح می‌شود:

یکسان بودن به معنی وجود تعادل یک به یک واحدهای ترجمه اعم از واژه، جمله و یا پاراگراف و متن است، حال آنکه هم‌ارز بودن، از حوزه زبان فراتر می‌رود و تعادل را بین ویژگی‌های فرازبانی در ترجمه یعنی موقعیت و بافتار متن مبدأ و متن مقصد و نیز تأثیر آن بر مخاطبان دو جامعه زبانی متفاوت برقرار می‌سازد که طبعاً مستلزم تعادل یک به یک بین واحدهای متن اصلی و ترجمه آن نیست (حقانی، ۱۳۸۶: ۷۲).

ناید در توضیحات خود درباره ترجمه به جای واژه «محتوا» (contents) از اصطلاح «پیام» (message) استفاده می‌کند (همان: ۷۲).

از دیدگاه *ناید*، ترجمه متن در قالب «ترجمه صوری» (formal equivalence) و «ترجمه پویا» (equivalence dynamic) امکان‌پذیر است.

ترجمه صوری: همان‌گونه که از عنوان آن برمی‌آید، ترجمه‌ای وفادار به صورت متن است و از منظر روش به ترجمه لفظ به لفظ شباهت دارد. در این نوع ترجمه تا سر حد امکان هیچ‌گونه دخل و تصرفی از سوی مترجم در محتوا و ساختار متن مبدأ صورت نمی‌گیرد.

ترجمه پویا: ترجمه پویا در نقطه مقابل ترجمه صوری قرار می‌گیرد و در واقع همان ترجمه‌ای است که از دیدگاه *ناید* به واسطه انتقال پیام متن، تأثیری مشابه را در فرهنگ و زبان مبدأ بر مخاطب جامعه زبانی مقصد دارد. ترجمه پویا با تعدیلات فراوانی در متن همراه است، به گونه‌ای که می‌توان بخش‌هایی از متن را حذف کرد، مطالبی اضافی به ترجمه افزود و یا حتی صورت آن را تغییر داد، چراکه «در این ترجمه، حرف آخر را پیام می‌زند و صورت صرفاً وسیله‌ای است در خدمت پیام».

لازم به ذکر است تغییر در متن مبدأ نباید به خدشه‌دار شدن پیام متن منجر شود، در این صورت حتی اگر متن ترجمه شده با زبان و فرهنگ جامعه مقصد نیز انطباق داشته باشد، از نظر کارکرد و تأثیر بر مخاطب، معادل متن مبدأ نخواهد بود.

ناید تفاوت‌های ترجمه را بر پایه عوامل تأثیرگذار در سه نوع اساسی ذکر می‌کند:

۱. ذات پیام: در برخی پیام‌ها محتوا از اهمیت بیش‌تری برخوردار است و در برخی

دیگر باید به فرم اولویت داد.

۲. هدف مؤلف و مترجم: اینکه بخواهند هم از محتوا و هم از فرم اطلاعات بدهند، یا بخواهند طوری متن را به خواننده بفهمانند که او تمام وجوه و اهداف پیام را دریابد، یا هدفشان الزامی باشد؛ یعنی نه تنها تمام پیام را به خواننده منتقل کنند بلکه اجازه هیچ‌گونه کج‌فهمی از ترجمه را هم ندهد.

۳. نوع مخاطب: مخاطبی که در آینده مؤثر خواهد بود، او در توانایی رمزگشایی و هم در علایق بالقوه متفاوت از بقیه خواهد بود.

بررسی ترجمه‌های شاخص سوره ناس به زبان آلمانی

فریدریش روکرت

بررسی ترجمه فریدریش روکرت

یکی از ترجمه‌های قابل توجه قرآن که به زبان آلمانی نگارش یافته، ترجمه فریدریش روکرت است که ده سال پس از مرگش یعنی در سال ۱۸۸۸ تحت عنوان «Der Koran» توسط آگوست مولر (Müller August) به چاپ رسید. اگرچه وی نتوانست ترجمه‌ای کامل از این کتاب آسمانی ارائه دهد و سوره‌هایی از قرآن ترجمه‌نشده باقی ماند. او کوشید متناسب با آیات کوتاه قرآن به بازآفرینی قافیه، سجع و ترصیع در زبان آلمانی بپردازد و اگرچه گاهی از نظر محتوایی در ترتیب قرارگرفتن آیات تغییراتی ایجاد می‌کند، اما در ترجمه آیات بلند از این روش صرف نظر کرده تا بتواند ویژگی‌های نثرگونه آن را بهتر ارائه نماید. علاقه او در ترجمه قرآن به بخش‌هایی معطوف شد که برای او بسیار جذاب و مؤثر بود. این علاقه، وفاداری او را به متن اصلی تحت‌الشعاع قرار داد. ارزش بازآفرینی شاعرانه روکرت از قرآن - که ناقص و کهنه و از دیدگاه علمی از اعتبار افتاده - بی‌گمان در کیفیت زبانی است.

انگیزه روکرت از ترجمه قرآن

روکرت با اثرپذیری از اندیشه رایج در آلمان مبنی بر این که زبان آلمانی تنها زبانی است که توانایی دارد زبان جهانی باشد، کوشیده است تا از شیوه بلاغت قرآن تقلید کند. طبق این اندیشه، زبان یونانی قدیم مرحله‌ای از مراحل تطور زبان به شمار می‌رود و این

زبان در پیشرفت خود، به زبان‌های شرقی وامدار است. رسیدن به زبانی جهانی نیز جز با ترجمه گنجینه‌های ادبیات جهانی امکان ندارد و تنها زبانی که شایستگی آن را دارد که زبان جهانی باشد و همه شاهکارهای زبان‌های دیگر را در خود جمع کند، زبان آلمانی است. روکرت افکارش را در رساله دکترای خود که در سال ۱۸۱۱ در دانشگاه ینا نوشت، عرضه کرد (حسینات، ۱۳۷۹: ۶۹-۷۰).

شیوه ترجمه روکرت

شیوه ترجمه روکرت آزاد است. او به گونه‌ای مطلب را به آلمانی در می‌آورد که نیازی به اصل نباشد و با ذوق خواننده آلمانی هماهنگ باشد. روکرت سعی کرد در ترجمه به شیوه بلاغی قرآن، هرچند از نظر معنا، نزدیک شود. او از بسیاری از اصطلاحات و تشبیهات استفاده کرده، و گاهی نیز معانی کلمات را مقدم و مؤخر ساخته تا قافیه‌های جدید و عبارات مسجعی را که بر غنی کردن بلاغت معنا کمک می‌کند ارائه دهد اما در این میان معنا و ظرافت واژگان عربی قربانی این ترجمه شده است.

ترجمه روکرت از سوره ناس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ ۝ مَلِكِ النَّاسِ ۝ إِلَهِ النَّاسِ ۝ مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ ۝ الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ ۝ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ ۝

Im Namen Gottes des allbarmherzigen Erbarmers

1. Sprich: Zuflucht such' ich
bei dem Herrn der Menschen,
2. Dem Könige der Menschen,
3. Dem Gott der Menschen,
4. Vorm Bösen des Einbläser, des Verräters,
5. Der einbläst in der Brust des Menschen,
6. Zuflucht vor Dschinnen und vor Menschen.

سوره ۱۱۴، مردم

به نام خدای بخشنده مهربان

۱. بگو پناه می‌برم به پروردگار مردم،

۲. به حاکم مردم،

۳. به معبود مردم،

۴. از شر نجواگر خائن،

۵. که در سینه انسان نجوا می‌کند،

۶. پناه می‌برم از جن‌ها و انسان‌ها (خرمدل، ۱۳۷۴: ۲۰۲۷، ۲۰۲۸).

نقد ترجمه

آنچه در ترجمه روکرت بیش از سایر ترجمه‌های قرآن مجید به چشم می‌خورد، وفاداری وی به شکل و ساختار منظوم قرآن است.

در ترجمه آیه اول «بسم الله الرحمن الرحيم»، «رحمن» صفت برای «رحيم» قرار گرفته است:

«رحمتگر کثیر الرحمة»: «des allbarmherzigen Erbarmers»

در صورتی که دو واژه «رحمن» و «رحيم» دو صفت برای اسم جلاله «الله» هستند. اما نکته جالب آن است که در پانویس ترجمه سوره حمد نوشته که آیه «بسم الله» را در ترجمه سوره‌های دیگر حذف کرده، زیرا که تکرار آن را مهم نمی‌داند.

تمامی معادل‌های جایگزین در سوره ناس به استثنای دو مورد صحیح‌اند، که این نشان‌دهنده تسلط بالای مترجم به زبان عربی است. این دو مورد عبارت‌اند از اسم «وسواس» به معنای «وسوسه‌گر» «Einflüsterer» که روکرت آن را «Einbläser» یعنی «کسی که آهسته خبری می‌دهد» ترجمه کرده، که واژه‌ای جامع و دقیق برای وسواس نیست. مورد بعدی واژه «خناس» یعنی «پنهانی» که روکرت آن را «Verräter» به معنی «خائن» ترجمه کرده است. شایان ذکر است که کلمه «خناس» صیغه مبالغه از مصدر «خنوس» و به معنای اختفای بعد از ظهور است. خناس یعنی کسی که به طور مداوم آدمی را وسوسه می‌کند، و به محضی که انسان به یاد خدا می‌افتد پنهان می‌شود و عقب

می‌رود، ولی همین که انسان از یاد خدا غافل می‌شود، جلو می‌آید و به وسوسه می‌پردازد (طباطبایی: ۶۸۹). ولی واژه جایگزین روکرت اشتباه و ترجمه درست آن به آلمانی «Heimtückischer» است. البته روکرت می‌بایست برای دو واژه «صدور الناس» معادل جمع آن را می‌آورد نه مفرد «die Brüste der Menschen». روکرت نام عربی سوره را در ترجمه‌اش ذکر نکرده و تنها به ترجمه آن بسنده کرده است، البته برگردان نام سوره‌ها در بسیاری از موارد نیز از محتوای سوره گرفته شده است، مثلاً سوره اخلاص را سوره «اعتراف به وحدت Bekenntnis der Einheit» نامیده است.

نقاط قوت ترجمه

- روکرت در این ترجمه تلاش کرد برای اولین بار سبک قرآن و زیبایی کلام آن را به آلمانی‌زبانان نشان دهد.
- در مقدمه به طور مفصل درباره نوع آشنایی روکرت با قرآن و ترجمه‌های دیگر قرآن بیان شده است.
- به رغم تمام ایرادهایی که به ترجمه روکرت وارد است، باید گفت که این ترجمه در زمان خود بر تمام ترجمه‌های آلمانی موجود برتری داشته و ترجمه‌ای از اصل زبان عربی و نشانگر تسلط بالای مترجم بر زبان عربی است.
- آیات در این ترجمه شماره‌گذاری شده و هر آیه درست از ابتدای سطر آغاز می‌شود.
- در پیوست این ترجمه اسامی قرآنی و موضوعات آنها توصیف شده است.
- مترجم برخی آیات و کلمات قرآن را در پاورقی توضیح داده است.
- ترجمه روکرت به طور تقریبی صحیح است.
- این ترجمه قابل فهم‌تر و آسان‌تر از ترجمه‌های پیشین است.

نقاط ضعف ترجمه

- در شماره‌گذاری آیات «بسم الله الرحمن الرحيم» جزو سوره به حساب نیامده است.

- روکرت به نام سوره‌های قرآن مقید نبوده و گاه نام سوره‌ها را از محتوای آن‌ها گرفته است.
 - در کنار ترجمه آلمانی متن عربی قرآن نوشته نشده است تا خواننده بتواند ترجمه و متن اصلی را هم‌زمان با یکدیگر مقایسه کند.
 - نام عربی سوره‌ها در عنوان ذکر نشده است.
 - روکرت ترجمه بسیاری از جمله‌ها و حتی آیات را به این دلیل که برای او جالب نبوده‌اند و یا به گمان او فایده‌ای از لحاظ معنا نداشته‌اند رها کرده است.
- اگرچه ترجمه قرآن فریدریش روکرت به ترجمه‌ای پویا نزدیک است اما آنگونه که باید پیام قرآن، این کتاب آسمانی را به خوانندگان آلمانی زبان نمی‌رساند. در ترجمه پویا مترجم می‌تواند بخش‌هایی از متن را حذف کند، مطالبی را اضافه کند و یا حتی صورت آن را تغییر دهد اما این کار نباید به خدشه‌دار شدن پیام متن منجر شود، در این صورت حتی اگر متن ترجمه شده با زبان و فرهنگ جامعه مقصد نیز انطباق داشته باشد، از نظر کارکرد و تأثیر بر مخاطب، معادل متن مبدأ نخواهد بود.

رودی پارت

بررسی ترجمه رودی پارت

رودی پارت قرآن‌پژوه و مترجم مشهور آلمانی، شناخته شده‌ترین ترجمه از قرآن را در سال ۱۹۶۶ به زبان آلمانی ارائه کرده است. این ترجمه از زمان انتشار تا کنون بارها در کشورهای مختلف تجدید چاپ شده است و به نظر برخی قرآن‌پژوهان آلمانی، از لحاظ اعتبار علمی، ترجمه‌ای ممتاز به شمار می‌رود. فهم دقیق آیات قرآن و ترجمه آن‌ها نکته‌ای است که بیش از هر چیز به ترجمه پارت اهمیت می‌بخشد. همان‌طور که در مقدمه ترجمه و در کتاب «محمد(ص) و قرآن او» تأکید شده است، از دیدگاه وی قرآن قبل از هر چیز یک سند تاریخی از نبوت حضرت محمد(ص) است.

انگیزه پارت از ترجمه قرآن

پارت قصد داشت ترجمه‌ای علمی با تفسیری آسان از قرآن بر اساس منابع خود قرآن ارائه دهد. ترجمه قرآن پارت، همان‌گونه که خودش تأکید می‌کند برای متخصصان تهیه شده است. هدف وی ارائه معنای اصلی قرآن بود.

شیوه ترجمه پارت

پارت از بکارگیری زبان ادبی و شعرگونه قرآن خودداری کرده است. او بر صحت ترجمه تأکید نموده و زیبایی الفاظ و جنبه‌های بلاغی آیات را مد نظر قرار نداده است. متن ترجمه در عین روانی، پر از افزوده‌های توضیحی است. او در این توضیحات ترجمه‌ای لفظی و کلمه به کلمه ارائه می‌نماید. پارت عقیده دارد که به دلیل تنوع و تغییر بسیار در سبک بیان و انشای قرآن، از بکارگیری افزوده‌های توضیحی گریزی نیست (موسوی مقدم، ۱۳۸۸: ۱۴۸). ترجمه پارت ترجمه‌ای علمی است و همانند تفسیر «المیزان» آیت الله طباطبایی از روش علمی «فهم قرآن با قرآن» بهره جسته و در این زمینه معتقد است دشواری‌های فهم آیات قرآنی با استناد به سایر آیات حل می‌شود.

ترجمه پارت از سوره ناس

SURE 114 - AN-NÂS

Im Namen des barmherzigen und gnädigen Gottes.

1 Sag: Ich suche Zuflucht beim Herrn der Menschen, 2 dem König der Menschen, 3 dem Gott der Menschen, 4 (ich suche bei ihm Zuflucht) vor dem Unheil (schar) (das) von (jeder Art von) Einflüsterung (w. von der Einflüsterung) (ausgehen mag), - einem (jeden) heimtückischen Kerl (?) (w. dem heimtückischen Kerl), 5 der den Menschen (w. in die Brust der Menschen) (böse Gedanken) einflüstert, 6 sei es ein Dschinn oder ein Mensch.

سوره ۱۱۴ - الناس

به نام خداوند بخشنده مهربان

۱. بگو پناه می‌برم به پرودگار مردم، ۲. به حاکم مردم، ۳. به معبود مردم، ۴. (پناه می‌برم به او) از بلای (شر) از (هر نوع) وسوسه (از وسوسه) (ناشی از)، - یک (هر) آدم

خناس (۴) (آدم خناس)، ۵. که مردم را (در سینه مردم) (افکار پلید) وسوسه می‌کند، ۶. خواه از جن باشد یا انسان.

نقد ترجمه

همان‌طور که قابل مشاهده است در ترجمه پارت هر آیه از ابتدای سطر آغاز نشده که این خود روش مناسبی نیست، چراکه خواننده با متنی درهم روبه‌رو می‌شود و مسلماً نمی‌تواند آیه مورد نظر خود را در یک سوره به آسانی پیدا کند. در ترجمه پارت نام سوره‌ها به آلمانی برگردان نشده و تنها به آوردن نام عربی آن اکتفا شده است.

هم‌چنین می‌بینیم در موضعی که وی از ترجمه نامطمئن است، آن‌ها را با علامت سؤال مشخص می‌سازد؛ یا متن عربی را به نوشتار لاتینی می‌آورد، کثرت افزوده‌های توضیحی در ترجمه پارت فهم متن را دشوار کرده و انسجام کلام را از بین برده است. او برای رفع این مشکل می‌بایستی توضیحات لازم را به گونه‌ای کاملاً متمایز از ترجمه مثلاً در پاورقی می‌گنجاند تا هم به انسجام کلام لطمه‌ای وارد نشود و هم خواننده بتواند به آسانی به آن مراجعه کند. عدم توجه به این نکته یکی از آشکارترین نقاط ضعف وی در ترجمه قرآن کریم است.

پارت از جمله معدود کسانی است که آیه «بسم الله الرحمن الرحيم» را به درستی بازگردانده است.

نقاط قوت ترجمه

- منابع استفاده شده، هدف، شیوه و سبک ترجمه پارت در مقدمه به طور واضح و دقیق بیان شده است.
- مترجم در ترجمه، روش علمی به نام «فهم قرآن با قرآن» را به کار برده که صحت آن در ترجمه به اثبات رسیده است.
- مشابهت قرآن که شامل ترکیبات، تعبیرات، آیات و ساخت‌های نحوی مشابه است، همه به طور یکسان ترجمه شده است.

- شماره هر سوره در بالای هر صفحه ذکر شده، به طوری که یافتن سوره مورد نظر به راحتی میسر است.
- به نحو زبان عربی به طور کامل توجه شده است.
- طبقه بندی سوره‌ها در فهرستی در انتهای ترجمه آورده شده است.
- ترجمه پارت علمی است و به هیچ وجه مغرضانه نیست.
- پارت در کتابی با عنوان «تفسیر و کشف اللغات قرآن» به توضیح هر آیه قرآن پرداخته است.
- آیات این ترجمه به درستی شماره‌گذاری شده است.
- وی به «علم وجوه و نظایر» در آیات قرآن آشنایی داشته است.

نقاط ضعف ترجمه

- سبک قرآن در این ترجمه به کلی نادیده گرفته شده است.
- اسامی سوره‌ها به آلمانی ترجمه نشده است. هم‌چنین مکی یا مدنی بودن سوره و نیز تعداد آیات آن در ترجمه پارت مشخص نیست.
- کثرت افزوده‌های توضیحی که مترجم برای توضیح بیش‌تر و یا شک و تردید در ترجمه همراه علامت سؤال در داخل پرانتز آورده باعث سردرگمی خواننده شده است. بهتر بود که این توضیحات جدا از ترجمه و در پاورقی می‌آمد.
- پارت از تجربه مترجمین پیشین قرآن بهره نبرده است.
- ترجمه پارت خشک و فاقد احساس می‌باشد.
- مترجم در فهم آیاتی که دچار مشکل بوده از دانشمندان علوم قرآنی کمک نگرفته و به تسلط خویش به زبان عربی بسنده کرده است.
- با وجود شماره‌گذاری صحیح آیات، شروع هر آیه از ابتدای سطر نیست بلکه در انتهای آیه قبلی می‌باشد. در این روش خواننده نمی‌تواند آیه مورد نظر خود را به راحتی پیدا کند.
- ترجمه قرآن رودی پارت به روش ترجمه پویا و ترجمه‌ای کاملاً علمی است. اگرچه پارت به علم وجوه و نظایر در قرآن کاملاً آشنایی دارد و از روش علمی «فهم قرآن با قرآن» در ترجمه به کار برده است که همه این‌ها نشان‌دهنده تسلط بالای مترجم به

زبان عربی است اما استفاده مکرر از افزوده‌های توضیحی داخل پرانتز، از ارزش این ترجمه می‌کاهد.

عادل تئودور خوری

بررسی ترجمه عادل تئودور خوری

بی‌تردید یکی از برترین ترجمه‌های موجود قرآن مجید به زبان آلمانی ترجمه عادل تئودور خوری، استاد ادیان دانشگاه مونترال است که در سال ۱۹۸۷ منتشر شده است. جذابیت و حسن اصلی ترجمه خوری تسلط کامل وی بر منابع اسلامی است. خاستگاه تمایل وحدت‌گرایانه خوری از یک سو ارجاعات درونی به مشابهات و مطالب موازی با انجیل و از دیگر سوی احادیث و روایاتی است که از سیره پیامبر باقی مانده و به نوعی با مطالب ذکر شده با قرآن در ارتباط است.

انگیزه خوری از ترجمه قرآن

همان‌گونه که خوری می‌گوید، انگیزه وی ارائه ترجمه‌ای است که متناسب با فهم مسلمانان باشد تا مبانی قابل اعتمادی را برای گفت‌وگو میان اسلام و مسیحیت فراهم آورد (خوری، ۱۹۹۷: IX). از این رو در شرح و تفسیری بر ترجمه خود می‌نویسد که در معادل‌یابی بارها از تشابهات برخی از آیات قرآن مجید با تورات و انجیل بهره‌جسته است.

شیوه ترجمه خوری

ترجمه وی از بسیاری جهات به ترجمه رودی پارت از قرآن مجید شباهت دارد. خوری در بخش مقدماتی و عمومی درباره سوره‌ها در زمینه تاریخ نزول، ساختار، مفاهیم زیربنایی مطرح شده در سوره‌ها و فضائل هر سوره اطلاعاتی ارائه داده است. هم‌چنین در پایان هر یک از بخش‌های محتوایی همه آیات با توجه به تفاسیر مهم اسلامی تک‌تک تفسیر شده‌اند. هم‌چنین به موارد مشابه و موازی در متن انجیل - چنانچه موجود باشد - اشاراتی داده شده است.

ترجمه خوری از سوره ناس

114. Die Menschheit (An-Nas), zu Medina, 6 Verse

Im Namen Gottes, des Erbarmers, des Barmherzigen.

114:1 Sprich: Ich suche Zuflucht beim Herrn der Menschen,

114:2 Dem König der Menschen,

114:3 Dem Gott der Menschen,

114:4 Vor dem Unheil des Einflüsterers, des Heimtückischen,

114:5 Der da in die Brust der Menschen einflüstert,

114:6 Sei es einer von den Djinn oder von den Menschen.

۱۱۴. مردم، ناس، مدنی، ۶ آیه دارد

به نام خدای رحمتگر مهربان،

۱: ۱۱۴ بگو پناه می‌برم به پروردگار مردم،

۲: ۱۱۴ به فرمانروای مردم،

۳: ۱۱۴ به خدا و معبود مردم،

۴: ۱۱۴ از بلای وسوسه‌گر نهانی (وسواس خناس)،

۵: ۱۱۴ که در دل مردم وسوسه می‌کند،

۶: ۱۱۴ خواه از جن باشد یا از انسان.

نقد ترجمه

آنچه در وهله اول در این ترجمه جلب توجه می‌کند تقسیم‌بندی و شماره‌گذاری آیات است، به طوری که هر آیه شماره‌گذاری شده درست از ابتدای سطر آغاز می‌شود. حسن این روش در آن است که خواننده می‌تواند ترجمه آیه مورد نظر خود را به راحتی پیدا کند. هم‌چنین مکی یا مدنی بودن سوره و تعداد آیات آن در ابتدای سوره ذکر شده است.

برخی از معادل‌های انتخابی در این ترجمه غلط جایگزین شده‌اند، که به چند نمونه از این موارد اشاره می‌شود:

ترجمه «شر» به صورت «Unheil» به معنی «بلا، مصیبت» که اشتباه ترجمه شده،

«رحمن» به صورت «Erbarmer» به معنی «رحمتگر» که عبارت مناسب‌تر آن کلمه

«Allerbarmer» به معنی «کثیر الرحمة» می‌باشد، «صدر» به صورت «Brust» که به اشتباه جایگزین شده است.

هرچند که زبان مادری خوری عربی است، اما عدم توجه وی در بازگرداندن برخی لغات و آیات قرآن به خوبی پیداست. به طور مثال «رحمن» و «رحیم» همان‌طور که پیش‌تر نیز اشاره شد دو صفت برای اسم جلاله «الله» اند که از دو ریشه متفاوت مشتق می‌شوند، لذا این دو تأکید هم نیستند بلکه هر یک معنای مستقلی دارند و تکراری در «بسم الله» پدید نیامده است (علامه طباطبایی: ۴۷) اما در ترجمه خوری «رحمن» و «رحیم» به صورت «Erbarmer» و «Barmherzig» بازگردانده شده‌اند که هیچ‌کدام جایگزین مناسبی نیستند. ترجمه درست آن عبارت است از:

"...des Allerbarmers, des Gnädigen"

فرم صحیح لغت «جن» به آلمانی «Dschinn» است، که خوری آن را به صورت «Djinn» آورده است.

۳-۱ نقاط قوت ترجمه

- در کنار ترجمه، متن اصلی قرآن قرار دارد.
- ترجمه علمی خوری همراه یک تفسیر جامع می‌باشد.
- در ابتدای هر سوره توضیح درباره شأن نزول و تفسیری عام آورده شده است.
- آیات قرآن در این ترجمه به درستی شماره‌گذاری شده است.
- نام عربی سوره‌ها در عنوان ذکر شده است.
- وجود چندین فهرست و نمایه‌های گوناگون در انتهای هر جلد، جست‌وجوی موضوع یا کلمه‌ای خاص را برای هر پژوهشگر آسان‌تر کرده است.
- ترجمه خوری بسیار قابل فهم و وفادار به متن است.
- این بازگردان نه‌تنها ترجمه بی‌نظیر و منحصر به فرد در زبان آلمانی است بلکه ترجمه‌ای معتبر در دنیای اسلام می‌باشد.

نقاط ضعف ترجمه

- در برخی از بخش‌های تفسیر، متأسفانه دقیقاً مرجع تفسیر مشخص نیست.

- خوری در تفسیر آیات قرآن بیش‌تر از منابع سنی استفاده کرده و متأسفانه فقط در یک بخش کتاب، به تفسیری بر مبنای شیعه اشاره شده است.
 - به دلیل زبان مادری مترجم که عربی است، بازگردان برخی از لغات به آلمانی کاملاً دقیق نیست، بلکه در مواردی می‌توان از کلمات عمیق‌تر و مناسب‌تری جهت انتقال کلمات پرمفهوم قرآن استفاده نمود.
 - به منظور پرهیز از تکرار، مترجم در بخش‌های مختلف ترجمه ارجاعاتی به جلدهای دیگر داده است؛ متأسفانه در این روش خواننده دچار سردرگمی شده و در هنگام مطالعه هر جلد به جلدهای دیگر نیاز دارد.
- خوری تمام تلاش خود را به کار گرفته تا ترجمه‌ای پویا از قرآن مجید ارائه دهد. ترجمه‌ای که در رساندن پیام متن به مخاطبان آلمانی زبان بسیار موفق عمل کرده است و تقریباً تأثیر یکسانی را در خواننده زبان مبدأ و مقصد ایجاد می‌کند. آشنایی خوری به منابع و فرهنگ اسلامی و تسلط وی به تفسیر آیات قرآن باعث موفقیت بیش‌تر او در ترجمه قرآن می‌شود.

نتیجه بحث

در بررسی ترجمه‌های قرآن در می‌یابیم که به دلیل وجود تفاوت‌های اساسی که میان زبان و فرهنگ زبان مبدأ و مقصد وجود دارد، دستیابی به متنی که هم به لحاظ سبک و بلاغت و هم به لحاظ محتوا و معنی به زبان عربی نزدیک باشد کار آسانی نیست. هم‌چنین به دلیل حساسیت و اهمیت کلام وحی به‌خصوص قرآن، آخرین کتاب آسمانی، سختی این کار دو چندان می‌شود. مترجم خوب کسی است که عناصر اصلی در زبان مبدأ را بشناسد، آن‌ها را ارزیابی کند و تا حد امکان به زبان مقصد بازگرداند. بنابراین مترجم باید بتواند بین دنیای زبان مبدأ (در اینجا قرآن)، زبان خویش و زبان مقصد تفاوت قائل شود، و هم‌زمان بین این‌ها ارتباط ایجاد کند.

همان‌طور که بررسی‌ها نشان داد بیش‌تر معادل‌های جایگزین روکرت در ترجمه سوره ناس صحیح بودند و این نشان‌دهنده تسلط بالای او به زبان عربی است. هرچند که تسلط مترجم قرآن به زبان‌های مبدأ و مقصد شرطی لازم قلمداد می‌شود، اما کافی نیست. کمک گرفتن از تفاسیر معتبر اسلامی و نیز دانشمندان علوم قرآنی، عاملی دیگر در

بالا بردن کیفیت ترجمه است. نارسایی‌های موجود در برگردان بعضی از آیات در ترجمه پارت برخاسته از این مسأله است. مطالعه ترجمه خوری برای تازه‌مسلمانان توصیه نمی‌شود، چراکه مقایسه زیادی میان قرآن و انجیل در آن صورت گرفته است؛ این مقایسه شدید و بیان شباهت‌ها، ممکن است یک مسیحی تازه‌مسلمان را به دین مسیحیت برگرداند، چون تصور می‌شود که این دو دین تفاوت چندانی با هم ندارند. به همین دلیل این کتاب آن‌گونه که باید دین اسلام را معرفی نکرده است و در جهت شناساندن دین اسلام، که کامل‌ترین دین آسمانی است برنیامده و در مسلمان کردن مسیحیان نقش چندانی نمی‌تواند داشته باشد چنانکه خود نویسنده همچنان مسیحی است. در نتیجه می‌توان گفت این کتاب به دلیل تأکید بر تفاسیر مبتنی بر اعتقادات اهل تسنن و بعضاً عدم ذکر تفاسیر اعتقادی شیعیان، برای افرادی که در جست‌وجوی درک تفسیر قرآن هستند و همچنین برای مسیحیان تازه‌مسلمان شده، کتاب مناسب و قابل استنادی نمی‌باشد.

اما با توجه به اینکه پویایی یک ترجمه کار آسانی نیست این سه مترجم، به‌خصوص خوری، با گذران سالیان زیادی از عمر خویش در مطالعه منابع اسلامی به منظور بازگردان قرآن کریم توانسته‌اند ترجمه‌ای به نوبه خود شایان تقدیر و برجسته‌ای را ارائه دهند.

کتابنامه

کتب فارسی

- آیت الله معرفت، محمد هادی. ۱۳۸۳، **تاریخ قرآن**، تهران: سازمان سمت.
- آیت الله مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۷۹، **تفسیر نمونه**، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- حدادی، محمود. ۱۳۷۰، **مبانی ترجمه**، تهران: جمال الحق.
- حقانی، نادر. ۱۳۸۶، **نظرها و نظریه‌های ترجمه**، تهران: امیرکبیر.
- طباطبائی، علامه سید محمد حسین. ۱۳۶۰، **تفسیر المیزان**، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبائی.

مقالات

- العلی حسینیات، محمود. ۱۳۷۹، «**ترجمه شاعر آلمانی فریدریش روکرت**»، ترجمان وحی ۷، ۶۹-۷۵.
- بوبتسین، هارتموت. ۱۳۷۹، «**نظری اجمالی بر ترجمه‌های لاتینی قرآن مجید**»، ترجمه دکتر علیرضا انوشیروانی، ترجمان وحی ۷، ۳۵-۴۸.
- حمیدالله، محمد. ۱۳۵۳، «**سیر ترجمه قرآن در آلمان**»، ترجمه محمدحسین ساکت، وحید، شماره ۱۳۱، ۶۵۳.
- درخشان مقدم، پریسا و نارنجی، فرح. ۱۳۸۸، «**بررسی ترجمه‌های مختلف قرآن به زبان آلمانی**»، پژوهش زبان‌های خارجی ۵۲، ۶۵-۸۴.
- رادشایت، ماتیاس. ۱۳۸۶، «**نگاهی به ترجمه‌های حاضر قرآن به زبان آلمانی**»، ترجمه محمد اخگری، ترجمان وحی ۲۲، ۷۹-۱۰۸.
- زمانی، محمد حسن و شفر، استفان فریدریش. ۱۳۹۲، «**بررسی تفسیر قرآن به زبان آلمانی اثر پروفیسور عادل تئودور خوری**»، قرآن‌پژوهی خاورشناسان ۱۵، ۹-۲۰.
- منصوری، مسعود. ۱۳۷۹، «**تأملی در برخی از نقاط قوت و ضعف ترجمه رودی پارت**»، ترجمان وحی ۸، ۶۳-۷۱.
- موسوی مقدم، سید محمد. ۱۳۸۸، «**بررسی پیش فرض‌های شرق‌شناسان در ترجمه قرآن**»، پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم ۴، ۱۳۳-۱۶۱.
- نارنجی، فرح و حدادی، محمد حسین. ۱۳۸۹، «**نقد و بررسی ترجمه آلمانی قرآن رودی پارت**»، نقد زبان و ادبیات خارجی ۴، ۱۴۳-۱۵۸.

کتب لاتین

- Bobzin, Hartmut. (1995). *Der Koran in der Übersetzung von Friedrich Rückert*. Würzburg: Ergon Verlag.
- Fück, Johann. (1995). *Die Arabischen Studien in Europa: bis in den Anfang des 20. Jahrhunderts*. Leipzig: Otto Harrassowitz.
- Khoury, Adel Theodor. (1997). *Der Koran: arabisch-deutsch*. Gütersloh: Gütersloher Verl.-Haus.
- Koller, Werner. (1992). *Einführung in die Übersetzungswissenschaft*. 4. Auflage. Heidelberg, Wiesbaden: Quelle und Meyer Verlag.
- Nida, Eugene Albert/ Taber, Charles R. (1969). *Theorie und Praxis des Übersetzens, unter besonderer Berücksichtigung der Bibelübersetzung*. New York: Weltbund der Bibelgesellschaften.
- Nida, Eugene Albert. (1964). *Toward A Science of Translating, with special reference to principles and procedures involved in Bible translating*. Leiden: E.J.Brill.
- Paret, Rudi. (1993). *Der Koran*. Qom: Ansariyan Publications.
- Rückert, Friedrich. (1888). *Der Koran*. Herausgegeben und Einleitung von August Müller. Frankfurt a.M: J. D. Sauerländer Verlag.
- Stolz, Radegundis. (2005). *Übersetzungstheorien: eine Einführung*. Tübingen: Gunter Narr Verlag.